

جلسه شماره 1

موضوع: کلیات تحلیل محتوا

تعریف تحلیل محتوا:

روشی است که میتوان آن را درباره انواع گوناگون پیامهای مندرج در آثار ادبی، مقاله های روزنامه، اسناد رسمی، گزارش های اجتماعی، برنامه های شنیداری و دیداری به کار بست.

واژه هایی که نویسنده، سخنران یا پاسخگو به کار میبرد، بسامد آنها، وجه آرایش آنها در جمله، ساختمان خطابه و چگونگی بسط آن، منابع اطلاعاتی هستند که بر مبنای آنها محقق میکوشد به شناختی دست یابد.

تحلیل محتوا موضوع اصلی علوم است که درباره انسان بحث میکنند؛ "سخن گفتن" برجسته ترین ویژگی انسان است و "زبان" جزء جدایی ناپذیر تفکر منطقی، احساسات و همه عناصر مشخصه زندگی درونی اوست.

اگر درست نگریسته شود، تحلیل محتوا منشاء مرکزی مطالعات انسانی است و کوشش در این راه میتواند علوم اجتماعی و رفتاری را به شکل اساسی تغییر دهد.

تعریف تحلیل محتوا با رویکرد کتب درسی:

یارمحمدیان (1381) تحلیل محتوا را چنین تعریف میکند: "یک روش پژوهش منظم برای توصیف عینی و کمی محتوای کتابها و متون برنامه درسی، یا مقایسه پیامها و ساختار محتوا با اهداف برنامه درسی".

تعریف فوق در این درس مد نظر قرار خواهد گرفت که بر اساس تحلیل محتوای مبتنی بر بررسی کتب درسی و آموزشی میباشد. این کتب میتواند کتابهای درسی و آموزشی در سطح مدارس یا دانشگاه ها، و همچنین کتب الکترونیکی که در حال حاضر رو به گسترش است را در بر گیرد.

تحلیل محتوای کمی و کیفی:

تحقیق را به دو صورت کلان کمی و کیفی تقسیم نموده اند؛ پژوهشگر با استفاده از روشهای تحقیق کمی میتواند جنبه های مشاهده پذیر یک پدیده را که قابل اندازه گیری است مورد بررسی قرار دهد. این روشها بر پایه دیدگاه های فلسفی معرفت شناسی اصالت تحصلی استوار است.

از طرف دیگر چنانکه پژوهشگر نخواهد به جنبه های نهفته یک پدیده و درک آن در حوزه های علوم انسانی، اجتماعی و رفتاری بپردازد، استفاده از روشهای کمی چندان او را به نتایج ملموس رهنمون نمیکند. لذا در این حالت روشهای پژوهش کیفی را به کار میبرد.

اختلاف بر سر کمی یا کیفی بودن، یکی از مهمترین بحث ها در تحلیل محتوا است و اکثریت با کسانی است که بر کمی بودن تحلیل محتوا تاکید میکنند.

"مورتن هانت" تحلیل محتوا را فن شمارش تعداد دفعاتی میداند که انواع مختلف کلمات، عبارات، اندیشه ها یا تصورات در یک متن خاص ارتباطی ظاهر میشوند و دسته بندی آنها در مقوله های مناسب است.

از طرفی برخی معتقدند که اینگونه کمیت گرایی به قیمت ضایع شدن اصل عملکرد تحلیل محتوا می انجامد...

در ادامه درس با اختلاف بین تحلیل محتوای کمی و کیفی و روشهای آنها بیشتر آشنا خواهیم شد.

3

تحلیل محتوا روش تحقیقی آمیخته (ترکیبی)

استفاده از روشهای کمی از قدمت بیشتری در امر پژوهش برخوردار است. پژوهشگران با کمک برنامه های نرم افزاری پیشرفته میتوانند اطلاعات مناسبی را استخراج نمایند. با این حال، این روش به تنهایی نمیتواند پژوهشگران را راضی نموده و نیاز به اطلاعات بیشتر و سریعتر آنان سبب شد دست به ابداع روشهای کیفی بزنند تا بتوانند سریعتر به جامعه مورد بررسی خود نفوذ کرده و اطلاعات زیادی را در مدت زمان کمتری جمع آوری نمایند.

با توجه به ویژگیهای تحقیقات کمی و کیفی که در بالا عنوان شد ملاحظه میشود که کمی کردن تحلیل محتوا اغلب به محتوای آشکار پیام محدود میشود. آمارهای توصیفی مثل توزیع درصدها و نسبت ها، و غیره، به بررسی کمی مطالب میپردازد ولی مبین اصل ماهیت داده ها و طبیعت متغیرها نخواهد بود. بنابراین در کنار این روش میتوانیم برای تکمیل اطلاعات خود از روشهای کیفی نیز استفاده کنیم. هنگامی که برای جمع آوری اطلاعات از کتاب درسی به معلمان با سابقه مراجعه کنیم و با استفاده از مصاحبه های فردی و گروهی و یا مشاهده کلاس درس، به تحلیل مسایل و مشکلات کتاب درسی بپردازیم و یا مزایای آن را بررسی نماییم، روش کیفی را مد نظر قرار داده ایم.

برخی نیز راه میانه "ترکیبی" را پیشنهاد کرده اند...

4

فهرست زیر مواردی است که برای دستیابی به آنها استفاده از تحلیل محتوا ضرورت دارد:

- آشکارسازی اختلاف در ارتباطات بین المللی: با تحلیل محتوای یک کتاب میتوانیم اختلافات کشورها را مشخص کنیم. برای مثال تحلیل محتوای کتاب تاریخ سال سوم راهنمایی نشانگر اختلاف جمهوری اسلامی ایران با کشور امریکا است.

- تشخیص وجود تبلیغ: تحلیل محتوا میتواند نشانگر وجود این باشد که آیا مؤسسه، آموزشگاه یا مارک خاصی در کتاب تبلیغ شده است یا خیر. علیرغم تلاش نویسندگان کتب درسی مبنی بر عدم تبلیغ در این کتابها، تحلیل محتوای عکسهای کتاب فیزیک 1 اول دبیرستان، تصویر یک باتری و مارک آن مشخص مییابد که نوعی تبلیغ است.

- شناسایی اهداف: تحلیل محتوا، در تعیین میزان توجه به اهداف مصوب آموزش و پرورش در کتب درسی، شیوه مناسبی است.

- تمرکز یا گرایش بین افراد، گروه ها یا مؤسسات: تحلیل محتوا نشان میدهد کتاب درسی گرایش به چه نوع مؤسسه، گروه یا افرادی دارد. برای مثال تحلیل محتوای کتاب شیمی برای زندگی، سال اول دبیرستان، گرایش به گروه های دوستدار محیط زیست را مشخص مینماید.

- توصیف نگرش و رفتارها در پاسخ به ارتباطات: تحلیل محتوای کتب درسی نشان دهنده فرهنگ و نگرشی است که در دانش آموزان تقویت میشود. مسلماً تحلیل محتوای کتابهای درسی زبان و ادبیات فارسی نمایانگر فرهنگ و نگرش ایرانی در بازخورد رفتارها مییابد.

- تعیین وضعیت روحی، روانی و یا عاطفی افراد یا گروه: تحلیل محتوای انشاء دانش آموزان، خط، تکالیف درسی و... وضعیت روحی و روانی دانش آموزان را مشخص میکند.

ضرورت بررسی تحلیل محتوا با رویکرد کتب آموزشی:

کتاب درسی با محتوای مطالب آموزشی به ویژه در نظامهای آموزشی متمرکز که محور مکتوب و مدون تعلیم و تربیت محسوب میشود؛ همچنین فعالیتهای و تجربههای تربیتی معلمان و فراگیران، حول محور کتاب درسی سازماندهی میشود و نیاز به تحلیل و بررسی دارد. این تحلیل به دست اندرکاران و مؤلفین کتابهای درسی کمک میکند تا در هنگام تهیه و تدوین، یا گزینش و انتخاب کتاب درسی تصمیمهای عاقلانه ای را اتخاذ نمایند.

کاربرد تحلیل محتوای کتب درسی سبب میشود که معلمان و مؤلفین کتب آموزشی و برنامه ریزان درسی و آموزشی با ویژگیهای لازم برای ارایه یک کتاب درسی آشنا شوند و آنها را در جهت ارایه بهتر کتب، جزوات، نرم افزارها و رسانه های آموزشی یاری دهد. آشنایی معلمان با این تکنیک به آنها کمک میکند تا در ارایه مطالب به فراگیران دقت نظر بیشتری اعمال کنند و با آگاهی از نواقص احتمالی کتب درسی در جهت کامل کردن آن تلاش نموده و یادگیری را برای فراگیران آسانتر نمایند. بنابراین ضرورت آشنایی این تکنیک برای آنان در جهت تسهیل تدریس و فهم فراگیرانشان بدیهی میباشد.

معایب تحلیل محتوا:

تحلیل محتوا نیز مانند دیگر روشهای پژوهش، مشکلاتی دارد. معایب این روش در دو حیطهء نظری و روشی، به طور خاص، عبارتند از:

- بسیار وقت گیر است.

- رسیدن به سطح بالاتری از تفسیر به خصوص زمانی که از تجزیه و تحلیل ارتباطی استفاده میشود، منوط به افزایش خطا است.

- برای به دست آوردن نتیجهء معنی دار در مورد روابط و تأثیرات متغیرها فاقد پایگاه نظری است.

- ذاتاً تقلیل دهنده است. به ویژه هنگامی که با متون پیچیده سر و کار داریم.
- اغلب پژوهشگران تحلیل محتوا تمایل بیش از حدی به ساده بودن فرایند گردآوری اطلاعات دارند.
- گاهی به چارچوب و زمان تولید متن در هنگام تحلیل متن توجه نمی‌گردد.

7

چک لیست ارزشیابی کتب درسی با معیارهای ذکر شده ارایه می‌گردد.

چک لیست ارزشیابی کتابهای درسی

نام کتاب، مؤلف، سال انتشار، ناشر

ارزشیابی کتابهای درسی از نظر ویژگیهای ظاهری

شماره معیارها: خوب، متوسط یا ضعیف

1) نوع جلد

2) رنگ و طرح روی جلد

3) شکل و اندازه حروف

4) نوع کاغذ

5) تناسب بین حروف عنوان، متن و پاورقی

6) میزان حاشیه

7) کیفیت تصاویر و شکل ها

8) کیفیت صحافی

9) طول مناسب جمله

10) نشانه گذاری مناسب

11) روان و قابل فهم بودن مطالب

12) توضیح اصطلاحات تخصصی

ارزشیابی کتابهای درسی از نظر ویژگیهای ساختاری:

شماره معیارها: بلی یا خیر

1) فهرست کلی مطالب

2) فهرست جدول ها و نمودارها

3) بیان اهداف کلی

4) بیان اهداف جزئی در ابتدای فصل

5) خلاصه و نتیجه گیری در پایان فصل

6) سؤالات پایان فصل

7) منابع و مأخذ پایانی فصل

8)واژه نامه

9)فهرست اماکن و اعلام

10)منابع و مأخذ پایانی

ارزشیابی کتابهای درسی از نظر ویژگیهای محتوایی:

شماره معیارها: خوب، متوسط یا ضعیف

1)تناسب محتوا با توان دانش آموز

2)سودمندی مطالب

3)سازماندهی مطالب

4)ارایهء مطالب جدید

5)ارایهء مطالب مهم و کلیدی

6)ارایهء مطالب معتبر

7)ارایهء مطالب متناسب با پیشرفتهای علمی و فنی

8)حجم متناسب با زمان آموزش

9)هماهنگی با اهداف

10)ارایهء مطالب به شیوه یکسان

ارزشیابی کتابهای درسی از نظر ویژگیهای روان شناختی:

شماره معیارها: خوب، متوسط یا ضعیف

1)ارایهء مطالب از کلی به جزئی

2)ارایهء مطالب از عینی به انتزاعی

3)ارایهء مطالب از ساده به پیچیده

4)استفاده از نمودارها و جدول ها برای سازماندهی بهتر مطالب

5)برجسته کردن نکات مهم متن

6)تناسب با تجارب قبلی فراگیر

7)دشواری متناسب

8)استفاده از مطالب جذاب

9)استفاده از پیش سازمان دهنده

10)ارایهء مطالب مقدماتی در ابتدای هر فصل